

آسیب‌شناسی تربیتی سطحی‌نگری

در مواجهه با نمادهای دینی

نوروز امینی^۱،*، علی قریبی^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی سطحی‌نگری در مواجهه با نمادهای دینی بود. شخصیت‌ها، اعمال، اشیاء، مکان‌ها و زمان‌های خاص که نزد پیروان ادیان مختلف، مقدس شمرده می‌شود و به‌نوعی با آداب و رسوم اجتماعی آن‌ها پیوند خورده، نماد دینی نام دارد. باتوجه به نقش و جایگاه نمادهای دینی در برنامه‌های تربیتی، پرسش این است که سطحی‌نگری در مواجهه با نمادهای دینی و بسندگی به ظواهر این نمادها چه آسیب‌هایی را در مسیر تربیت دینی به‌دنبال دارد؟ تحقیق حاضر، ضمن اشاره به نمونه‌هایی از گرایش مذکور که در قرآن و حدیث مورد توجه قرار گرفته، آسیب‌های این پدیده را با روش تحلیل متن و در برخی موارد تحلیل منطقی مورد بررسی قرار داده است. براساس یافته‌های پژوهش، زمانی که ظاهر یک امر دینی در مقابل باطن آن اهمیت بیشتری بیابد و تلاش افراد تنها معطوف به ظواهر آن باشد، امر دینی مورد تهدید و آسیب جدی قرار می‌گیرد و آسیب‌هایی چون در حاشیه ماندن تکالیف اصلی، تصدی‌گری ناصالحان در امور دینی، منزوی شدن عالمان و صالحان، برقراری ارتباط آسیب‌زا با انسان‌ها و اشیاء، ترویج خرافات و رسوم غلط اجتماعی و بی‌حرمتی به نمادها و مقدسات را در پی خواهد داشت.

واژگان کلیدی: نمادهای دینی، آسیب‌شناسی تربیتی، تربیت دینی، سطحی‌نگری، ظاهرگرایی.

۱- نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

Norouz.amini@guilan.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشکده علوم قرآنی خوی، آذربایجان غربی، ایران.

ali.garibi906@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

بیان مسئله

نمادهای دینی مجموعه‌ای از نشانه‌ها هستند که به معانی و مفاهیم دینی دلالت می‌کنند. این نمادها در جامعه دین‌داران مورد احترام همگان بوده و گاه برخی روابط اجتماعی حول آن‌ها شکل می‌گیرد. نمادهای دینی کارکردهای مختلفی در حوزه بینشی، عاطفی و رفتاری دارند و باعث هویت‌بخشی، ایجاد آگاهی، برقراری ارتباط عاطفی و حتی تغییر رفتار در دین‌داران می‌شوند. با این حال و در کنار همه کارکردهای مثبتی که این نمادها دارند، خالی از آسیب نیز نیستند. آسیب‌های مرتبط با نمادهای دینی زمانی بروز و ظهور می‌یابند که ظاهر یک امر دینی در مقابل باطن آن اهمیت بیشتری یابد. به‌عنوان مثال ظاهر نمادهای دینی مانند ساختمان اماکن دینی یا شکوه و عظمت مراسم‌های دینی و... وجهه همت برخی از دین‌داران باشد؛ تا جایی که حتی ممکن است افراد بدون اینکه غایت نهایی رسیدن به قرب الهی را از رهگذر توسل به نمادهای دینی دنبال کنند، با هدف کسب منافع مادی و دنیوی به مناسک دینی روی بیاورند که این امر آسیب‌هایی جدی بر پیکره دین وارد می‌سازد. متأسفانه در بسیاری از موارد به لحاظ اینکه این آسیب‌ها تحت پوشش تمسک به نمادهای دینی انجام می‌شود، قابل شناسایی نیستند. این مقاله به دنبال پاسخی برای این پرسش است که آسیب‌های گرایش به ظاهر نمادهای دینی چه هستند و این آسیب‌ها چگونه اساس دین و امور مرتبط با آن را تهدید می‌کنند؟

ضرورت این تحقیق از رهگذر اهمیت حراست از دین راستین، زدودن پیرایه‌های باطل از آن و توجه به تربیت صحیح و استوار دینی اجتماع قابل تبیین است. هرچند نمادهای دینی در اعلام حیات دین و حضور آن و همچنین در تداعی مفاهیم دینی و تسهیل در رساندن پیام دین موثرند و در معرفی دین به مخاطبان تأثیر بسزایی دارند، با این حال این نمادها قدرت تخریبی نیز دارند. به‌عنوان مثال نام‌گذاری روزهای مابین میلاد پیامبر اسلام (ص) به روایت شیعه و اهل سنت به‌عنوان هفته وحدت، می‌تواند زمینه‌ساز وحدت مسلمانان شود. اما برخی آیین‌های مذهبی که توهین به بزرگان یک مذهب است، عامل تفرقه بین مسلمانان خواهد شد. علاوه بر این، برخی نمادهای ساختگی و تقدیس و رفتار تعبیدی در ارتباط با آن‌ها می‌تواند موجب بدنامی دین و دستاویزی برای تبلیغات ضددینی شود. همچنین کثرت‌گرایی در نمادها موجب بروز مشقت‌هایی برای دین‌داران خواهد شد؛ همان‌گونه که افراط در این مسئله می‌تواند باعث اولویت یافتن دال بر اصل مدلول شود. با توجه به حساسیت این موضوع، لزوم تقویت نگاه‌های آسیب‌شناسانه به این نمادها بیش از پیش جلوه‌گر می‌شود. براساس بررسی‌های به عمل آمده، با وجود اینکه تاکنون پژوهش‌هایی چند درباره چند و چون نمادهای دینی و برخی مصادیق و مفاهیم مرتبط با آن‌ها سازماندهی شده است - که مهم‌ترین آن‌ها در ردیف منابع پژوهش حاضر قرار دارد - با این حال تاکنون هیچ پژوهشی در راستای آسیب‌شناسی تمسک به ظواهر

نمادهای دینی و اثرات آن در انحراف برنامه‌های تربیت دینی جامعه انجام نشده و پژوهش حاضر از نخستین گام‌ها در این عرصه به شمار می‌رود.

۱- مفهوم‌شناسی نماد و نماد دینی

۱-۱- نماد در لغت و اصطلاح

نماد در لغت به معنای نماینده، سمبل، مظهر، نشانه و علامتی خاص است که نماینده و ظاهرکننده یک امر یا یک چیز به حساب می‌آید (دهخدا، ۱۳۷۷، ماده نماد). بنابراین نماد، ظهور و ارائه حقیقتی است که در قالب مصدر، به صورت ظهور کردن و ارائه دادن بیان می‌شود (پارسا، ۱۳۷۳، ص ۱۲). نماد در اصل، علامت هویت و شناسایی است و عناصر پراکنده معانی را چون جویباران به هم پیوند می‌دهد (امامی، ۱۳۸۱ الف، ص ۳۲). با این حال علی‌رغم اینکه نماد، نماینده یک چیز است، اما این نمایندگی نه به علت شباهت دقیق میان دو چیز، بلکه از طریق اشاره مبهم یا حتی گاه روابط اتفاقی و قراردادی میان دو چیز نیز رخ می‌دهد (پورنامداریان، ۱۳۶۴، ص ۹).

برای معنای اصطلاحی نماد، نظرات مختلفی از سوی عالمان طرح شده است: برخی چون کورت موریتز^۱ و آرتور گلدامر^۲ نماد را نشانه‌ای می‌دانند که به جای چیز دیگری قرار می‌گیرد و به عنوان ابزار شناخت غیرمستقیم به کار گرفته می‌شود و درحقیقت فرایندی است که واقعیات متعالی را به شکلی ملموس تر ارائه می‌دهد (لاجوردی و طالش بابایی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). کارل گوستاو یونگ^۳ نماد را عبارت از یک اصطلاح، نام یا حتی تصویری می‌داند که ممکن است نماینده چیزی مأنوس در زندگی روزانه باشد و درعین حال در کنار معنای آشکار و معمول خود، معانی تلویحی خاصی نیز داشته باشد. به باور او نماد معرف چیزی خاص، مبهم، ناشناخته و پنهان از ماست و هر چیزی می‌تواند خاصیت نمادین پیدا کند. به این ترتیب درحقیقت تمامی جهان یک نماد بالقوه است (امامی، ۱۳۸۱ الف، ص ۳۲). با این حال در فرایند اجتماعی، اغلب به نمادهایی توجه می‌شود که حالت جمعی دارند و نمادهای فردی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. زبان، پرچم، سنت‌ها، آداب یا اعمال دینی و... همه بیانگر نمادهایی است که افراد جامعه در آن اشتراک دارند (فیاض و جباری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸، به نقل از گولد و کولب، ۱۳۷۶). با این حال هر نمادی تنها حامل پیام‌هایی نیست که سازندگان اولیه آن در نظر گرفته‌اند؛ بلکه ممکن است معانی

1- Kurt Moritz

2- Arthur Goldammer

3- Carl Gostav Jung

فراتر از آن را نیز با خود به همراه داشته باشد. همه تعاریف و خصوصیات که برای نماد ذکر شد، با عنصر معنی در ارتباط است. بحث معنی درباره نماد به دو صورت مطرح می‌شود: یکی اینکه نمادها چیزی فراتر از خود را معنی می‌دهند یا می‌فهمانند و دیگر اینکه این مخاطب است که معنای تعبیری یا تأویلی از نماد را دریافت می‌کند (لافورگ و آندی، ۱۳۷۴، ص ۱۳).

۱-۲- نماد دینی

اصطلاح نماد در علوم مختلف، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد که وجه مشترک آن‌ها تداعی معنی و حقیقتی است که نماینده آن هستند. برای مثال در ادبیات، نماد هر علامت و نشانه، کلمه، ترکیب و عبارتی است که بر معنی و مفهوم ورای آنچه ظاهر می‌نماید، دلالت کند (روشنفکر و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۷). در علم شیمی کاربرد حروف لاتین برای اشاره به عناصر را می‌توان به‌عنوان مصداقی برای استفاده از نمادها ذکر کرد (عباسی صدرا و منطقی، ۱۳۹۵، ص ۴۲، به نقل از هج، ۱۳۸۹، ص ۲۹۶). اما در حوزه دین، نماد دینی نشانه‌ای است که به معانی و مفاهیم دینی دلالت می‌کند؛ فارغ از اینکه هدف از ایجاد آن نماد، دلالت بر معنای مورد نظر باشد یا نباشد. براین‌اساس به تمامی شخصیت‌ها، اعمال، اشیاء، مکان‌ها و زمان‌های خاصی که همگی نزد پیروان یک دین، مقدس شمرده می‌شوند، از احترام و جایگاه ویژه‌ای در میان پیروان آن دین برخوردارند و به‌نوعی با آداب و رسوم اجتماعی ایشان پیوند خورده‌اند، نماد دینی گفته می‌شود (ناعمی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

نمادهای دینی شامل افراد، اشیاء، اعمال، مکان‌ها و زمان‌هایی هستند که علامت هویت دینی جامعه و افراد به حساب می‌آیند و دین به‌واسطه حضور آن‌ها ظهور می‌یابد. این نمادها انتقال پیام و جریان اندیشه دینی را تسهیل می‌کنند و حضور دین و ادامه حیات آن به‌وسیله التزام دین‌دارن به آن‌ها ممکن می‌شود. پال تیلیش^۱ که نماد را در شناخت زبان دین کاویده است، ویژگی‌هایی را برای نماد برمی‌شمارد:

- ۱- اشاره کردن به ماورای خود (از خود فراتر رفتن)
- ۲- مشارکت و سهیم بودن نماد در واقعیت و معنای امر مشارالیه
- ۳- داشتن هویت جمعی
- ۴- داشتن قدرت گشودن و نشان دادن ابعادی از واقعیت و زوایایی از روح
- ۵- داشتن قدرت اصلاحی یا تخریبی (وحدت‌آفرینی یا تفرقه‌افکنی)
- ۶- تابعیت پیدایش، رشد و افول آن‌ها از شرایط اجتماعی و فرهنگی (مامی، ۱۳۸۱، ب، ص ۶۴)

براین اساس هر امر دینی که دارای این شش ویژگی باشد، می‌تواند در شمار نمادهای دینی قرار گیرد. البته باید دانست اگرچه در یک جامعه دینی همه افراد از لحاظ ایمان در یک سطح نیستند، اما نمادهای دینی جدا از سطح ایمان متدینان در جامعه حضور دارند. یعنی ممکن است عده‌ای افراد حتی به برخی مناسک و سنن دینی پایبند باشند؛ بدون اینکه بخواهند رسیدن به سعادت ابدی را از رهگذر آن دنبال کنند (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰).

۱-۳-۱- برخی از نمادهای دینی از دیدگاه قرآن و حدیث

در اسلام، امور متعددی چون شخصیت‌های دینی، مساجد، قبور معصومان و امامزادگان، زمان‌های خاص، اعیاد و مناسبت‌های مذهبی همچون نیمه شعبان، عید غدیر، روز عاشورا، اربعین و...، برخی آیین‌ها و مراسم مذهبی مانند مراسم حج یا عزاداری و نیز برخی اشیاء مانند مصاحف، تربت امام حسین (ع) و... به‌عنوان نماد شناخته شده است. برای مثال پیامبر اعظم (ص) به‌واسطه رأفت و مهربانی‌اش، نماد رحمت الهی، امام علی (ع) نماد عدالت و شجاعت و حضرت ابوالفضل (ع) نماد غیرت قلمداد می‌شود یا برخی مساجد که به نمادی از هویت اسلامی شهرها تبدیل شده یا مناسبت‌هایی مانند عید غدیر یا روز عاشورا و اربعین که به نمادهایی خاص در جامعه شیعی تبدیل شده‌اند. در ادامه با برخی از مهم‌ترین نمادها در آیین اسلام آشنا می‌شویم:

۱-۳-۱-۱- نماد ایمان و دوری از نفاق

خداوند در قرآن کریم از بلندآوازه شدن نام پیامبر (ص) سخن می‌گوید (انشراح، ۴) که ذکر صلوات و یادکرد نام ایشان در تشهد و اذان، نمادی از این بلندآوازی است (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۲۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۷۱). همچنان که صلوات بلند فرستادن برای پیامبر (ص) - که در برخی آیات (احزاب، ۵۶) و روایات (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۴) مورد تأکید قرار گرفته است - به‌عنوان نمادی از ایمان راستین و دور شدن از نفاق و دورویی قلمداد شده است (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۴؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۹۴). براین اساس صلوات فرستادن که عملی عبادی است، علاوه بر بار معنوی و ثواب آن، یک بار اجتماعی و سیاسی نیز به خود می‌گیرد و این همان عملکرد نماد است.

۱-۳-۱-۲- نماد توکل و صبر

نمونه دیگری از نمادسازی دینی در قرآن، یادکرد برخی پیامبران به‌عنوان نماد ویژگی‌های خاص است. به‌عنوان مثال در آیه «صَبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص، ۱۷)، حضرت

۱- بر آنچه می‌گویند صبر کن و داوود بنده ما را که دارای امکانات [متعدد] بود به یاد آور. آری او بسیار بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود.

داود (ع) به عنوان نماد اتکا به خداوند معرفی می‌شود که صفت اتکای به خداوند از نظر تربیتی در ایجاد صبر در ضمیر آدمی تأثیر بسزایی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۸۹). حضرت ایوب (ع) نیز در فرهنگ اسلامی به عنوان نماد صبر، بردباری و تحمل مشکلات معرفی می‌شود (انبیاء، ۸۳). درباره سایر انبیای الهی نیز با برجسته کردن برخی از ویژگی‌های ایشان، فرایند نمادسازی انجام شده است؛ به عنوان مثال حضرت ابراهیم (ع) نماد راست‌گویی (شعراء، ۸۴)، حضرت نوح (ع) نماد طول عمر (عنکبوت، ۱۴)، حضرت سلیمان (ع) نماد قدرت و سلطنت (انبیاء، ۸۱ و ۸۲) و... هستند.

۱-۳-۳- نمادهای استجابیت دعا و مبارزه با ظلم

در برخی موارد حتی نام شخصیت‌های دینی با مکان‌ها و زمان‌های مقدسی پیوند خورده و ارزش خاصی به آن‌ها داده است. برای مثال کعبه با نشانه‌هایی از انسان‌های برگزیده شرافت بیشتری یافته است. به طوری که زائران خانه خدا در جایگاه عبادت پیامبران می‌ایستند و مقام ابراهیم (ع) در سراسر خانه خدا جایگاه ویژه‌ای می‌یابد (آل عمران، ۹۷). روز عید غدیر نیز که علت اصلی تقدس آن، انتصاب امام علی (ع) به جانشینی پیامبر (ص) است، در روایات با چند مناسبت تاریخی دیگر از جمله پذیرش توبه آدم (ع)، نجات ابراهیم (ع) از آتش نمرود، تعیین هارون به جانشینی موسی (ع) و اعلام وصایت شمعون توسط عیسی (ع) در این روز همزمان شده و روزه شکر آن بزرگواران در این روز مقدس حالت نمادین پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۴۲۳، ص ۲۰۶). همچنان که ماه محرم و روز عاشورا نیز در میان شیعیان کارکردی نمادین دارد.

۱-۳-۴- نمادهای برپایی دین و وحدت

نمونه‌ای از مکان‌های مقدس در اسلام، کعبه است. امیرمؤمنان (ع) درباره کعبه فرموده است: «جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا وَ لِلْعَائِدِينَ حَرَمًا» (شریف رضی، ۱۳۷۸، ص ۷). همچنین در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «تا آن زمان که کعبه برپا باشد، دین پابرجاست» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۴۳). به این ترتیب می‌توان کعبه را نماد برپایی دین اسلام دانست. همچنان که حج، نماد وحدت مسلمانان است. چنان که در حدیثی از امام علی (ع) می‌خوانیم: «حج مایه تقویت دین است» (شریف رضی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۹). زیرا با محکم شدن روابط مسلمانان در مناسک حج و ارتباطشان با هم و نیرومند شدن ایمان آن‌ها، اسلام نیز نیرومند می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۱۵).

۱-۳-۵- نماد امامت

از جمله اشیای مقدس که در اسلام حالت نمادین به خود گرفته، می‌توان از سلاح پیامبر (ص) یاد کرد. در روایتی از امام صادق (ع)، سلاح پیامبر (ص) نزد اهل‌بیت نشانه امامت^۱ یا داشتن علم امامت^۲ است؛ همچنان‌که تابوت در میان بنی‌اسرائیل نشانه نبوت یا پادشاهی بود^۳. اهمیت این سلاح در میان مسلمانان به قدری بود که عبدالملک بن مروان آن را نماد خلافت می‌دانست و با ارسال نامه‌ای به امام سجاد (ع) ضمن درخواست شمشیر پیامبر (ص)، ایشان را تهدید کرد که در صورت امتناع از تسلیم آن به خلیفه، حقوق ایشان را از بیت‌المال قطع خواهد کرد. باین‌حال امام (ع) از تسلیم شمشیر به وی امتناع کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۹۵).

۱-۳-۶- نماد تولی و تبری

از جمله اعمال و آیین‌های نمادین در اسلام می‌توان برپایی مجالس عزاداری را نام برد. توصیه به برگزاری مراسم عزاداری را در وصیت امام باقر (ع) می‌توان دید که وصیت فرمود تا ده سال از مال آن حضرت مبلغی قرار دهند تا در موسم حج صرف نوحه و عزاداری شود (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۸۲). باتوجه به کارکردهای مجالس عزاداری در اعلام دوستی با خاندان پیامبر و بیزاری از دشمنان ایشان می‌توان گفت که این مجالس به‌عنوان نماد تولی و تبری در میان شیعیان برگزیده شده است.

۱- عَنْ سَعِيدِ السَّمَانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ السَّلَاحِ فِيْنَا مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ أَيْ أَهْلَ بَيْتِ وَجَدِ التَّابُوتِ عَلَى بَابِهِمْ أَوْ تَوَاتُوا النَّبُوَّةَ فَمَنْ صَارَ إِلَيْهِ السَّلَاحُ مِنْ أَوْتَى الْإِمَامَةِ؛ امام صادق (ع) فرمود: سلاح پیامبر نزد ما همانند تابوت عهد در میان بنی‌اسرائیل است. بنی‌اسرائیل هر خانه‌ای که تابوت را نزد آن‌ها می‌یافتند، به نبوت برمی‌گزیدند.

پس از میان ما نیز هر که سلاح پیامبر نزد او باشد، امامت به او داده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۸).

۲- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ السَّلَاحِ فِيْنَا مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَيْثُمَا دَارَ التَّابُوتُ دَارَ الْمَلِكِ فَأَيْنَمَا دَارَ السَّلَاحُ فِيْنَا دَارَ الْعِلْمِ؛ امام صادق (ع) فرمود: سلاح پیامبر نزد ما همانند تابوت عهد در میان بنی‌اسرائیل است که هر جا تابوت بود، نبوت در آنجا بود. پس هر جا که سلاح پیامبر باشد، علم در آنجاست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۳۸).

۳- این تابوت براساس معنایی که برای سکینه ذکر کرده‌اند، موجب سکون قلب و نداشتن اضطراب بود. بنا بر برخی اقوال (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، صص ۲۷۶-۲۷۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۰۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۴۰) صندوقی بود که مادر موسی (ع) او را وقتی که نوزاد بود، در آن گذاشته و به آب انداخت و حاوی چیزهایی مانند الواح مشتمل بر علم و حکمت یا چیزهایی مثل عصای موسی (ع) یا نشانه‌های پیامبری بود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۲۸۹ و ۲۹۱).

۱-۴- آثار و کارکردهای نمادهای دینی

نمادهای دینی نیز مانند هر امر دینی دیگر، دارای کارکردها و آثاری مثبت است. آثار و کارکردهای نمادها در جامعه و ضمیر افراد، در سه سطح بینشی، انگیزشی و رفتاری قابل ملاحظه است. در سطح بینشی نمادهای دینی باعث هویت بخشی، آگاهی و تنبه نسبت به وظایف دینی می شوند. برای مثال بزرگداشت ایام تولد معصومان یا عزاداری در ایام شهادت ایشان باعث آگاهی افراد جامعه از جایگاه امام، شناخت نسبت خود با امام (هویت)، توجه به مرجعیت امام در فهم معارف دینی، لزوم بازشناسی خط رهبران الهی از خطوط رهبران غیرالهی، شناخت ارزش های حاکم بر نظام تربیتی امامت و... می شود (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۷). نمادها در سطح انگیزشی با تحریک احساسات و عواطف مخاطبان و از رهگذر شرکت دادن ایشان در آفرینش اجزای پدیده مورد نظر، نوعی همدلی بین مخاطب و پدیده (در اینجا فرد دین دار و امر دینی) ایجاد می کنند (پورنامداریان، ۱۳۹۱، ص ۲۹). برای نمونه اعیاد مذهبی و سوگواری های دینی با ایجاد نوعی عزم جمعی بر اظهار محبت، عشق و ارادت نسبت به معصومان، باعث ایجاد همدلی و دوستی بین اعضای جامعه و زمینه ساز مهرورزی افراد نسبت به یکدیگر شده و گاه حتی باعث زدوده شدن کینه ها و کدورت ها و زمینه ساز نزدیکی دل های مؤمنان به یکدیگر می شوند (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۷). در سطح رفتاری نیز نمادهای دینی زمینه ساز اطاعت از معصومان، الگوپذیری از ایشان، مراقبه در اعمال و تمرین عبودیت و بندگی می شوند (اکبری، ۱۳۹۳، ص ۱۸). برای نمونه انجام اعمال عبادی مربوط به یک مناسبت مذهبی، به خودی خود نوعی تکرار و تمرین بندگی است و فرد مؤمن را از روزمرگی و انجام عبادات از روی عادت صرف رهایی می دهد.

۱-۵- نمونه هایی از گرایش به ظاهر نمادهای دینی

منظور از گرایش به ظاهر نماد، اهمیت یافتن جلوه و نمود ظاهری نماد در مقابل باطن آن است. امور ظاهری دین چیزهایی هستند که همه مردم می توانند آن را انجام دهند. یک کافر هم می تواند قرآن را با خود حمل کند، بخواند یا در مورد آن تحقیق انجام دهد. یک غیرمسلمان هم می تواند اعمال ظاهری نماز را انجام دهد. حتی مسلمانان نیز از اینکه نماز باطلی به جا بیاورند، مصون نیستند. یا اینکه ممکن است برای مناسک حج محرم شده، اما نتوانند از احرام خارج شوند. براین اساس می توان تصور کرد که گرایش به ظواهر نمادهای دینی تا چه اندازه می تواند خطرآفرین باشد. در اسلام آنچه ارزشمند است، باطن عمل و ایمان انجام دهنده آن است. چنان که خداوند در قرآن کریم در ماجرای تغییر قبله می فرماید: «كَيْسَ الْبِرِّ أَنْ تَوَلَّوْا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ

والتَّيَّبِينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ...^۱» (بقره، ۱۷۷). این خطاب، همگانی است و تمام مردم را در بر می‌گیرد؛ هرچند سبب نزول آن خاص باشد. مقصود از این خطاب آن است که مؤمنان و نمازگزاران این نکته را دریابند که صرف نماز گزاردن به‌سوی یک جهت خاص، مورد نظر دین نیست؛ چراکه سبب تشریح نماز آن است که نمازگزار به‌سوی خدا روی آورد و از ماسوای او روی گرداند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۷۰). به این ترتیب رو کردن به جوانب گوناگون به خودی خود، خوبی و برتری کسی را به اثبات نمی‌رساند. سایر کارها از جمله آباد کردن اماکن مذهبی و سامان دادن به نهادها و نمادهای دینی نیز چنین هستند. در آیه «لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دَمَؤُهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ^۲» (حج، ۳۷) که گفته شده گوشت و خون قربانی به خدا نمی‌رسد، بلکه تقوای شما به او می‌رسد، کنایه از این است که خدا اعمال شما را به واسطه تقوای شما قبول می‌کند. در شأن نزول این آیه گفته‌اند که رسم عرب جاهلی این بود که هنگام قربانی کردن در برابر کعبه می‌ایستادند و خون‌ها را قربه الی الله، به اطراف کعبه می‌پاشیدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۸). به گمان اینکه خداوند از این خون‌ها استفاده می‌برد. بعضی از مسلمانان ناآگاه نیز بی‌میل نبودند که در این عمل خرافی از آن‌ها تبعیت کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۰۹). خداوند در قرآن اعلام داشت که به گوشت و خون محتاج نیست و چیزی از این‌ها به او نمی‌رسد. اما تقوی که عبارت از آن حالت اخلاص و توجه است، به او خواهد رسید. رسم غلط اعراب جاهلی و نیز تمایل برخی از مسلمانان به اخذ روش آن‌ها، درحقیقت گرایش به توسعه ظاهر یک فریضه دینی است.

در آیه «جَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَأَن يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ^۳» (توبه، ۱۹) می‌بینیم که در یک طرف «سِقَايَةَ الْحَاجِّ» و «عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» بدون هیچ قید زایدی آمده و در طرف دیگر آن، ایمان به خدا و روز جزا یا به عبارتی جهاد در راه خدا با قید ایمان قرار گرفته است. این خود به خوبی می‌رساند که منظور از سقایت و عمارت در آیه، سقایت و عمارت خشک و خالی و بدون ایمان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹،

- ۱- نیکوکاری آن نیست که روی خود را به‌سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید. بلکه نیکی آن است که کسی به خدا، روز بازپسین، فرشتگان، کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان، یتیمان، بینوایان، در راه ماندگان، گدایان و [در راه آزاد کردن] بندگان بدهد و...
- ۲- هرگز [نه] گوشت‌های آن‌ها و نه خون‌های‌شان به خدا نخواهد رسید. اما [این] تقوای شماست که به او می‌رسد.
- ۳- آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد.

صص ۲۰۴-۲۰۳). از این آیه می‌توان دریافت که عده‌ای با اخذ ظواهر دین‌داری، خود را با دین‌داران واقعی برابر یا بهتر از آنان می‌دانند.

اگر آیه «مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۱ (آل عمران، ۶۷) را با آیات قبل و بعد از آن بررسی کنیم، می‌بینیم که این آیه نشان‌دهنده این است که هریک از یهود و نصاری، حضرت ابراهیم (ع) را از خود می‌دانستند و هرکدام از این اقوام در پی تصاحب شخصیت حضرت ابراهیم (ع) بودند. اینجا دو گونه تحریف در مورد ابراهیم (ع) اتفاق افتاده است؛ یکی اینکه ابراهیم (ع) در واقعیت امر یهودی یا نصرانی نبود، اما هر گروهی، خود را به او منتسب می‌کرد. دیگر اینکه به قومیت ابراهیم (ع) در مقابل ابعاد دیگر شخصیت ایشان اصالت می‌دادند. یهودی یا نصرانی قلمداد کردن ابراهیم (ع) کاری مبتنی بر علم نیست؛ چون شرایع مذکور در زمان ابراهیم (ع) وجود نداشت. اگر کسی دنبال مشابهتی بین خود و ابراهیم (ع) است، باید بداند که او «یکتاپرست و حق‌گرایی تسلیم بود و از مشرکان نبود». آیه بعدی شرط نزدیکی به ابراهیم (ع) و مصداق بارز آن را بیان می‌دارد: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۶۸). تصاحب شخصیت‌های دینی، تأکید بر قومیت آن‌ها و کشف سایر مشابهت‌ها با ایشان در جهت برتری‌جویی، نوعی گرایش به ظاهر نمادهای دینی است.

البته باید توجه داشت که گاه برخی از نمادهای دینی صرفاً از جنبه ظاهری مانند نمادهای دینی است، اما برای رسیدن به اهداف غیردینی طراحی شده است. مانند مسجد ضرار که بنا بر گزارش قرآن، برپایه دورویی و نفاق و برای آسیب رساندن، ترویج کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و به‌عنوان کمین‌گاهی برای دشمنان خدا و رسول خدا (ص) ساخته شده بود (توبه، ۱۰۷). اماکن دیگری نیز هستند که گرچه ظاهراً جزو اماکن مقدس به حساب می‌آیند، اما بنا به دلایلی از معنویت تهی هستند. در روایتی از امام باقر (ع) از وجود مساجد ملعونه و مساجد مبارکه در کوفه خبر داده شده است. یکی از مساجد ملعونه چنین معرفی شده است: «و مسجدی در خمراء که بر قبر فرعونی از فراعنه بنا شده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۰). در حدیث دیگر از آن حضرت می‌خوانیم: «چهار مسجد در کوفه به جهت شادی برای قتل امام حسین (ع) بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شبت بن ربیع» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۰). در حدیثی از امام صادق (ع) نیز چنین گزارش شده که

- ۱- ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق‌گرایی فرمان‌بردار بود و از مشرکان نبود.
- ۲- درحقیقت نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که او را پیروی کرده‌اند و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند و خدا سرور مؤمنان است.

امیر مؤمنان مردم را از نماز خواندن در این چهار مسجد و مسجد تیم نهی فرموده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۹۰).

۲- آسیب‌های ظاهرگرایی درباره نمادهای دینی

زمانی که نمادهای دینی با آراستگی به تجملات دنیوی ظاهر می‌شوند، درحقیقت ظاهر اعجاب‌انگیز آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و تمایل و تأکید بر ظواهر نمادها در برخی موارد، انسان را به طرف نادیده گرفتن باطن این نمادها و مقصود نهایی از ساخته شدن آن‌ها می‌کشاند. این ظاهرگرایی در قالب‌های مختلفی بروز و ظهور پیدا کرده و در هر قالب نیز آسیبی خاص را متوجه دین و نمادهای دینی می‌کند. براین اساس آسیب‌شناسی نمادهای دینی ضرورت و اهمیتی دو چندان دارد. برای این مهم از روش تحلیل متن استفاده شده است؛ به این ترتیب که مهم‌ترین آسیب‌های تمسک به ظواهر نمادهای دینی با استناد به متونی از آیات و روایت مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. هرچند با توجه به ماهیت موضوع که تا حدودی مسئله پسینی است، در برخی موارد که شاهد مثالی در آیات و روایات برای آسیب خاصی وجود نداشته، از روش استدلال قیاسی و تحلیل منطقی نیز استفاده شده است. در ادامه مهم‌ترین این آسیب‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱- به حاشیه رانده شدن تکالیف اصلی

گاه انسان‌ها در تمسک به نمادهای دینی بر خود سخت می‌گیرند. به عنوان مثال با وجود تنگ‌دستی و فقر مالی، به سفرهای زیارتی می‌روند یا در آیین‌های مذهبی، آسیب‌های جسمی به خود می‌زنند. باید دانست که این انسان‌ها هستند که با گذاشتن رسوم و سنت‌های مختلف بر خویشتن سخت می‌گیرند و خود را به مشقت و دشواری می‌اندازند. درحالی‌که بنا بر آیه «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، ۷۸) خدای تعالی، بر دین‌داران تنگی یا مرتبه شدیدی از تنگی در دین مقرر نساخته و تکالیف دشوار بر عهده ایشان نگذاشته است. چنان‌که در حدیثی از پیامبر (ص) نیز می‌خوانیم: «من به دین آسان بر شما برانگیخته شده‌ام، نه دشوار» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۹۴). برپایی سفره‌های پرهزینه به اسم دین، تدارک دیدن تشریفات غیرضرور برای بزرگداشت نمادهای دینی و انجام دادن کارهای اضافه در رابطه با امور دینی، درحقیقت وسیله‌ای برای مطرح کردن خود و ارضای روحیه ریاست‌طلبی و برتری‌جویی است و ارتباطی با اعمال دینی - که با تذلل، تمسک و اظهار فقر در برابر خدای متعال

۱- و در دین بر شما سختی قرار نداده است.

همراه هستند - ندارد^۱. براساس بیان امام صادق (ع) در مصباح الشریعه (۱۴۰، ص ۱۴۰) ظاهر امر شخص متکلف، خودنمایی و ریاکاری بوده و باطن امر او به نفاق و خلاف برخواهد گشت. چنین شخصی درحقیقت با دو بال ریا و نفاق حرکت می کند و به سوی بدی ها رهسپار می شود. گذشته از این، چنین سخت گیری هایی بر خود و جامعه ممکن است منجر به هزینه هایی شود که از راه حرام تأمین می شود. گاهی اوقات هم انسان ها در زندگی خود دچار تنگی معیشت نمی شوند، اما اموالی را که باید در راه دین انفاق کنند، در جای غیر ضرور به مصرف می رسانند. درحالی که خداوند در قرآن کریم از هزینه کرد بی حساب مال نیز نهی فرموده است: «إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا^۲» (اسراء، ۲۷). تبذیر در مورد اموال آن است که آن را بدون مصلحت مثل بذر بپاشند.

در چنین مواقعی که ظهور نمادهای دینی منوط به کارهای غیر مرضی دین می شود، باید اذعان کرد که انحرافی در جامعه رخ داده و حق بر روی شالوده ای از باطل بنیان نهاده شده است. به عنوان مثال یکی از صفاتی که خداوند در قرآن برای متقین برشمرده، آن است که در اموال آنان حقی برای سائل و محروم قرار دارد (ذاریات، ۹). حق مذکور تنها در اموال متقین نیست؛ بلکه در اموال همه هست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۶۹). کسانی که اموال خود را در ظواهر نمادهای دینی با اسراف کاری مصرف می کنند، درحقیقت حق محرومان جامعه را پایمال می کنند. گذشته از اینکه زیاده روی در خدمت به نمادهای دینی، موجب تعطیل یا تضعیف سنت های دیگر می شود.

گاه آنچه ظهور دین داری تلقی می شود، از اموری است که مایه ناامنی یا آزار دیگران و باعث تضییع حقوق آنان است. نقل است امام علی (ع) مناره های بلند مساجد را به جهت تضییع حقوق ساکنان اطراف آن تخریب می فرمود (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۵۶). مجلسی اول علت این امر را تقلید از مجوسان آتش پرست و نیز مشرف بودن مناره ها بر خانه های مردم می داند (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۴). بنابراین به جای اجبار ساکنان خانه های اطراف مناره های بلند برای کنار آمدن با وجود این مناره ها و

۱- جملات فوق با این روایت از امام سجاد (ع) سازگارند: «... وَاعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يُرَادُ بِالْيَسِيرِ وَلَا يُرَادُ بِالْعَسِيرِ كَمَا أَرَادَ بِخَلْقِهِ التَّيْسِيرَ وَلَمْ يَرِدْ بِهِمُ التَّعْسِيرَ وَكَذَلِكَ التَّدْلِيلُ أَوْلَى بِكَ مِنَ التَّدَهُّقِ لِأَنَّ الْكُلْفَةَ وَالْمُؤْنَةَ فِي الْمُتَدَهِّقِينَ فَأَمَّا التَّدْلِيلُ وَالْتَّمَسُّكُنُ فَلَا كُلْفَةَ فِيهِمَا وَلَا مُؤْنَةَ عَلَيْهِمَا لِأَنَّهُمَا الْخُلُقَةُ وَهُمَا مَوْجُودَانِ فِي الطَّبِيعَةِ؛ «و بدان که با آنچه میسر است، باید خدا را خواست، نه بدانچه دشوار است. چنان که خدا هم به خلق خود آسان گرفته و تکلیف دشوار نکرده است. همچنین فروتنی برای تو بهتر از خودنمایی و خان منشی است؛ زیرا خان ها هستند که فخر فروشی و ولخرجی می کنند. درحالی که فروتنی و درویش مآبی نه تکلفی دارد و نه هزینه ای؛ زیرا موافق سرشت آفرینش است و در طبیعت مخلوقات سرشته شده است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۳).

۲- چرا که اسراف کاران برادران شیطان هستند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

مشکلاتی که تردد بر این مناره‌ها به‌منظور اذان گفتن یا امور دیگر برای ساکنان منازل اطراف ایجاد می‌کند، این مناره‌ها هستند که ویران می‌شوند تا حقوق شهروندان ضایع نشود. نمونه‌های بارزی از تضييع حقوق شهروندی در عصر حاضر برپایی عزاداری‌ها خیابانی، بستن خیابان‌ها، استفاده از طبل‌ها و بلندگوهای پر سر و صدا و به‌طور کلی ایجاد مزاحمت برای مردم است که به‌جای مجبور کردن مردم برای کنار آمدن با این قضیه، باید با عوامل ایجاد این مزاحمت‌ها برخورد شود. زیرا کارهایی که باعث آزار و اذیت هم‌نوعان می‌شود، نمی‌تواند به‌عنوان نماد دینی مطرح شود؛ بلکه نوعی بی‌توجهی به حقوق شهروندان را به نمایش می‌گذارد. چنین کارهایی حکیمانه نیست و تغییر و اصلاح آن‌ها لطمه‌ای به حضور شعائر دینی در اجتماع نمی‌زند.

۲-۲- تصدی‌گری افراد فاقد صلاحیت در امور دینی

وقتی ظاهرگرایی در دین پیشرفت می‌کند، افراد بسیاری در کار شکل‌دهی به امور ظاهری دین نقش بازی می‌کنند. در این میان از جمله افرادی که به حضورشان نیاز پیدا می‌شود، ثروتمندان هستند. وقتی که هزینه نمادهای دینی زیاد می‌شود، باید افرادی به اسم خیر پیدا شوند تا هزینه‌ها را بپردازند. چنانچه فرد خیر مؤمن باشد، - طبق آنچه گذشت - باید مالش برای او عزیز باشد و بی‌مبالات آن را خرج نکند. بر این اساس کسی که هزینه‌های هنگفتی را تقبل می‌کند، احتمالاً زحمت چندانی برای به‌دست آوردن اموال خود متحمل نشده است. چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: «از راه حلال بیست هزار درهم نمی‌توان اندوخت» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۶۲). هرچند این حدیث و احادیث مشابه آن قابل تأویل است و شاید تعبد به ظواهر این اخبار چندان صحیح نباشد، با این حال مجموع احادیث مربوط به این موضوع نشان‌دهنده این امر خطیر است که کسانی که با ثروت‌های انبوه برای حفظ شعائر و نمادهای دینی اقدام می‌کنند، باید در کارشان کمی محتاط بود. رقم‌های ده هزار و بیست هزار درهم و مانند آن که در روایات مورد اشاره قرار گرفته است، در مقایسه با دارایی سرمایه‌داران عصر حاضر رقمی بسیار ناچیز است؛ زیرا سرمایه‌داران نوین از یک سو به‌خاطر جایگاه انحصاری‌شان در اقتصاد می‌توانند قیمت‌ها را خودسرانه تعیین کنند و از سوی دیگر خواهان آن‌اند که از طریق حذف هزینه‌های کارگری، هزینه‌های سازمان‌شان را پایین بیاورند. این توانایی بالا بردن قیمت‌ها و پایین آوردن هزینه‌ها، سطح مزاد اقتصادی را بالا می‌برد و گاه مزاد اقتصادی چندان هنگفت می‌شود که نخبگان نظام مدیریتی نمی‌توانند حتی بخش کوچکی از آن را مصرف کنند (ریترز، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹). در چنین شرایطی باید از خطر تسلط چنین سرمایه‌دارانی بر شعائر دینی هراسناک بود؛ زیرا سرمایه‌داری که مبلغی هنگفت در بنای یک مسجد یا زیارتگاه متقبل می‌شود، خود به خود جایگاهی در آن محل پیدا کرده و رفته‌رفته به مرجع تصمیم‌گیری در مسجد یا بقعه یاد شده تبدیل

می‌شود و به دنبال آن آسیب‌های متعددی بر پیکر نمادها و شعائر وارد خواهد شد. شاید یکی از رازهای تأکید پیامبر (ص) بر ساده ساختن مساجد و پرهیز از به کار بردن زرق و برق در آنها (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۹۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۳۶)، توجه به همین نکته باشد که بالاخره این زرق و برق باید از اموال افراد تدارک دیده شود و هرکسی که چنین مالی را در چنین مکانی صرف کند، ناخودآگاه حس مالکیت نسبت بدان پیدا می‌کند و مقدرات آن را به دست می‌گیرد. درحالی‌که قرآن به صراحت آبادی مساجد را به مؤمنان، برپادارندگان نماز، پرداخت کنندگان زکات و افراد خداترس نسبت می‌دهد و این مسؤلیت را برعهده چنین افرادی می‌گذارد (توبه، ۱۸). بنابراین اموری مانند ساخت مساجد، مفروش ساختن آن، چراغانی کردن و انجام عبادت در مسجد و آموزش علم در آن - که جملگی از مصادیق آباد کردن مساجد قلمداد می‌شود (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۷۵) - باید به دست پاکیزه‌ترین افراد باشد؛ نه افرادی که صرفاً به خاطر ثروت کلان یا نفوذ اجتماعی به جایگاهی دست یافته‌اند. چنان‌که به تعبیر یکی از متفکران، از آن روز که گروهی از زمامداران جبار یا ثروتمندان آلوده و گنهکار دست به ساختمان مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح معنویت و برنامه‌های سازنده آنها مسخ شد و همین است که می‌بینیم بسیاری از این مساجد، شکل مسجد ضرار را به خود گرفته است! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۱۷).

گروه دیگری که می‌توانند امور ظاهری دین را به دست بگیرند، هنرمندان هستند. اگر بخواهیم مثالی از قرآن در مورد دست‌اندازی هنرمندان به دین ذکر کنیم، می‌توانیم به جریان سامری اشاره کنیم. سامری شخصی بود که قوم موسی (ع) را با ساختن گوساله‌ای گمراه کرد و آنها را به پرستش گوساله وا داشت (ر.ک: طه، ۹۸-۱۵). ساختن گوساله خود نوعی هنرمندی است و مطالعه این واقعه حاوی این پیام مهم است که اگر هنرمندان، بدون داشتن صلاحیت، در رأس امور دینی قرار گیرند، زمینه‌های انحراف در دین را فراهم می‌کنند. البته این سخن به معنای اهانت به مقام شامخ هنرمندان نیست و نمی‌گوییم که هنرمندان نباید در امور دین وارد شوند. بلکه سخن از تصدی‌گری و احراز مسؤلیت در حوزه امور دینی است. برای مثال یکی از رشته‌های هنری که در برخی برنامه‌های دینی جایگاه خاصی دارد، مولودی‌خوانی، مداحی یا مرثیه‌سرایی است که طبعاً مختص افراد خوش‌آواز و خوش‌صداست. این قشر امروزه جایگاه والایی در جامعه یافته‌اند. تا جایی که برخی مداحان حتی در مسائل جاری و سیاسی کشور نیز اظهار نظر کرده و گاه مقامات را مورد تهدید قرار داده‌اند. این امر ناشی از آن جایگاه اجتماعی است که برخی مداحان پیدا کرده و به‌گونه‌ای بر امور دین تسلط یافته‌اند. درحالی‌که مداحی تنها یک رشته هنری است که با دین در ارتباط است؛ مثل خطاطی که آیات قرآن را با خط خوش می‌نویسد. آیا کسی می‌تواند بپذیرد که خطاطی که آیات قرآن را با خط خوش می‌نویسد - هرچند در جهان اسلام بهتر از او هم در این زمینه نباشد - مصدر امور دینی بوده و در حوزه دین و

شعائر دینی صاحب‌نظر و صاحب‌فتوا باشد؟ توجه به این مسئله جایگاه خطیر این قشر را بیش از پیش جلوه‌گر می‌سازد که اگر برپایه شناخت ناقص مداحی از دین، شعر یا مدیحه‌ای در وصف یکی از بزرگان دین سروده و اجرا شود که رگه‌هایی از کفرگویی یا شرک در آن باشد، اثر این سخن تا کجا می‌تواند نفوذ کند. شاید سال‌ها طول بکشد تا مجتهدان و عالمان دینی، اثر منفی این مدیحه را از ذهن و ضمیر جامعه پاک کنند.

گروه دیگری از هنرمندان که در خدمت نمادهای دینی قرار می‌گیرند و در نوع خود تهدیدی نسبت به آن به شمار می‌روند، شاعران هستند. بسیاری از شاعران با هدف هنرنمایی و ارضای نفس، توجه چندانی به بار ارزشی و اعتقادی اشعار خود ندارند. شاعری که چشم، ابرو، روی زیبا و قد و بالای شخصیت‌های دینی را توصیف می‌کند، از معنویات فاصله گرفته و به جای اینکه معارف و ظرائف دینی را در قالب شعر به مخاطبان انتقال دهد، مذاق آنان را با زیبایی‌های ظاهری سازگار می‌کند. زیبایی ظاهری چیزی است که منافقان نیز از آن بهره‌مندند و گاه این زیبایی را در حد اعجاب‌انگیزی در خود می‌پروراند. چنان‌که خداوند در مورد ایشان می‌فرماید: «وَإِنَّا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ» (منافقون، ۴). یعنی منافقان ظاهری فریبنده و بدنی آراسته دارند؛ به‌گونه‌ای که هرکس با آن‌ها برخورد کند، از ظاهرشان خوشش می‌آید و از سخنان شمرده و فصیح و به‌جای آنان لذت می‌برد و دوست دارد به آن گوش فرا دهد. از بس که شیرین سخن می‌گویند و سخن‌شان نظمی فریبنده دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۲۸۰).

بنابراین یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که تمسک به ظاهر نمادهای دینی می‌تواند برای جامعه دینی به‌دنبال داشته باشد، تسلط سرمایه‌داران، هنرمندان و شاعران بر امور دینی جامعه است که طبعاً از حوزه صلاحیت آن‌ها بیرون است و همین امر می‌تواند پیامدهای زیان‌باری بر جامعه دینی داشته باشد.

۲-۳- برقراری ارتباط آسیب‌زا با انسان‌ها و اشیاء

هدف از خلقت انسان‌ها، عبادت و بندگی برای خداوند است (ذاریات، ۵۶). این یک هدف کلی است که با تغییر اقتضائات ظاهری و عملی تغییر نمی‌یابد و اهداف دیگری که یک مؤمن برای خود انتخاب می‌کند، در طول این هدف کلی قرار دارد. گاه لازم است انسان برای حفظ آن هدف والا از اهداف جزئی صرف‌نظر کند. به‌عنوان مثال کسی که کارش تجارت و هدفش از کار، کسب درآمد است، هنگامی که تجارتی حرام به او روی می‌آورد، به خاطر هدف کلی‌اش، از کسب آن درآمد صرف‌نظر می‌کند. حال اگر اعمال انسان‌ها، به‌جای معطوف شدن به هدف، به روابط میان خود معطوف شود، انحراف آغاز می‌شود. به‌عنوان مثال اگر کارمندان یک سازمان به‌جای اولویت دادن به اهداف سازمان، به روابط شخصی میان خود اولویت بدهند، زمینه‌های انحراف از اهداف سازمانی فراهم می‌شود. گاه دین‌داران در اهداف دینی

خود اهمال می‌ورزند و به روابط ظاهری با اشیاء و انسان‌ها روی می‌آورند. برای مثال در روایتی می‌خوانیم: «امام موسی بن جعفر (ع) پس از نماز خطبه‌ای خواند و بعد از حمد و ثنای پروردگار گفت: من پسر پیغمبرم که روی منبر پیغمبر، در حرم پیغمبر، شما را دعوت به پیروی از پیغمبر می‌کنم. ای مردم، شما آثار پیامبر اکرم را در سنگ و چوب می‌جوئید و بدن خود را به سنگ و چوب می‌مالید، درحالی‌که پاره‌های تن و جگر گوشه‌های پیغمبر را می‌آزاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸، ص ۱۶۴). کمترین دلالت این روایت این است که زیارت و لمس اشیای متبرک مربوط به پیامبر (ص)، در صورتی‌که ملزومات مهم مودت پیامبر (ص) رعایت نشده و وصی او مورد آزار قرار گیرد، فاقد تأثیر معنوی است. براساس حدیث ثقلین نیز تمسک به عترت پیامبر (ص) مورد سفارش قرار گرفته، نه بوسیدن سنگ و چوبی که به واسطه نام ایشان متبرک شده است. در قرآن کریم به نمونه‌ای از این نوع ظاهرگرایی در رفتار بنی‌اسرائیل اشاره شده است. آنان پس از عبور از دریا به گروهی رسیدند که به پرستش بت‌های خود مشغول بودند. بنابراین به موسی (ع) گفتند: «ای موسی، همان‌طور که آن‌ها خدایانی دارند، برای ما هم خدایی قرار بده» (اعراف، ۱۳۸). از این داستان چنین بر می‌آید که بنی‌اسرائیل مردمی مادی بودند و در زندگی هیچ‌وقت از اصالت حس تجاوز نمی‌کردند و اعتنایی به ماورای حس نداشتند. سائق آن‌ها به‌سوی این درخواست نیز عملی بود که از بت‌پرستان سرزده بود و جمله «جعل لنا» نشان می‌دهد که آن‌ها به دنبال ساختن هویت برای خود با معیارهای آن روزگار بودند؛ یعنی خود را نه به‌عنوان بندگان خدا، بلکه به‌عنوان یکی از گروه‌های انسانی در بین گروه‌های دیگر می‌دیدند که به اصطلاح امروزی نباید از مد روز عقب بمانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۲۳۴).

رابطه آسیب‌زای دیگری که در ارتباط با نمادهای دینی ممکن است شکل بگیرد، رابطه غالب و مغلوبی در ارتباط با انسان‌های دیگر است. می‌دانیم که یکی از خاصیت‌های امور ظاهری این است که به راحتی قابل ملاحظه و قابل تحسین یا تقبیح است. وجود چنین سازوکاری در ظواهر دین باعث می‌شود که عده‌ای برای برخوردار شدن از منزلت اجتماعی، به امور ظاهری روی بیاورند و علم دین‌داری بر دوش کشند. مسابقاتی که با عناوینی مانند قرآن و عترت برگزار می‌شود، مستعد ایجاد چنین رابطه‌ای هستند. خداوند در قرآن از مؤمنان می‌خواهد به‌جای مشاجره و اختلاف، در کارهای خیر از یکدیگر سبقت گیرند (مائده، ۴۸). از دیدگاه قرآن پیشی گرفتن در کارهای خیر مستلزم تشریفات خاص نیست. درحالی‌که این‌گونه مسابقات تشریفات خاص خود را می‌طلبند و نیاز به حرفه‌ای شدن در آن‌ها از اصول اولیه است و این حرفه‌ای شدن بیشتر با امور ظاهری سر و کار دارد. علاوه بر این، در این‌گونه مسابقات، در برابر هر برنده‌ای، یک بازنده تولید می‌شود و از سوی دیگر اعتیاد به تشویق و تأیید شدن در شرکت‌کنندگان به وجود می‌آید. بنابراین، مسابقات از آسیب قرار گرفتن در صنف امور دنیوی در امان نیستند؛ یعنی از دریچه مسابقات نیز می‌توان راهی به‌سوی کسب عناوین

دنیوی باز کرد. در حالی که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يَرْيِدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ^۱» (شوری، ۲۰). عبارات «حَرْث الدُّنْيَا» و «حَرْث الْآخِرَةِ» به عمل برای کسب پاداش دنیوی و اخروی اشاره دارند. براساس این آیه هرکس آخرت را وجهه همت خویش سازد، خداوند او را در دنیا از حاصل آنچه کشته، برخوردار می‌سازد و چون برای آخرت نکاشته بود، پس در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۴۱). در مسابقات مذهبی نیز اگر کسی کسب جایزه و علو شهرت را هدف خویش قرار دهد و در مسیر آن تلاش کند، امکان رسیدن به هدف خود را دارد. اما باید دانست که هدف او دنیوی است و علم و فنی هم که کسب کرده، ظاهر دین است و متضمن سعادت بشر نیست. چنان‌که امام علی (ع) در توصیف عالمان می‌فرماید: «عالم کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی مرد این بس که پایه خویش را نشناسد. از دشمن‌ترین مردمان بنده‌ای است که خدا او را به خود واگذارد تا از راه راست به یک سو شود و بی‌راهنما گام بردارد. اگر به کار دنیایش خوانند، چست باشد و اگر به کار آخرتش خوانند، تنبل و سست. گویی آنچه برای آن کار کند، بر او بایسته است و آنچه در آن سستی ورزد، از او ناخواسته» (شریف رضی، ۱۳۷۸، ص ۹۵). براین‌اساس، زیرکی و چالاکي در مسابقات، به خودی خود حائز اهمیت نیست. ای بسا کسانی که در قرائت قرآن مشهور بودند و برگزیدگان قوم به حساب می‌آمدند^۲، اما نتوانستند راه را از بیراهه تشخیص دهند. بنابراین جذب نفرت برتر مسابقات در هیأت‌ها و محافل برای کسب منزلت و هویت برای خود نیز می‌تواند تولید آسیب کند؛ چراکه بسیاری از گروه‌ها از معنویت شروع می‌کنند و به‌سوی شهرت‌طلبی و برند شدن پیش می‌روند.

۲-۴- منزوی ساختن عالمان راستین

نمونه‌ای از این نوع آفت را در صفحات گذشته در گلایه امام موسی بن جعفر (ع) دیدیم. نوعی دیگر از فشار و اذیت بر دین‌داران واقعی زمانی ایجاد می‌شود که ظاهرگرایی بر امور دینی حاکم می‌شود و در مردم انتظارات نابه‌جا از دین‌داران واقعی به وجود می‌آید. در آن صورت اگر دین‌داران واقعی به رسوم حاکم بر جامعه تن در دهند، به اجبار باید به بسیاری از ارزش‌های مورد قبول خود بی‌اعتنا باشند یا

۱- کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته‌اش می‌افزاییم و کسی که کشت این دنیا را بخواهد، به او از آن می‌دهیم و[الی] در آخرت او را نصیبی نیست.

۲- نمونه بارز چنین افرادی خوارج نهروان بودند (رک: مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۱).

امور مهم دیگری را تعطیل کنند. خداوند به رسول خود می‌فرماید: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ» (هود، ۱۲). به باور مفسران، در این آیه منظور از لفظ «لعل» شک و تردید نیست؛ بلکه منظور نهی و بازداشتن آن حضرت از ترک تبلیغ و دستور به ادای رسالت است. چنانچه ما به کسی که فرمان‌بردار است، ولی دیگران او را به نافرمانی ما می‌خوانند، می‌گوییم: شاید تو به خاطر گفتار فلانی دستور ما را انجام نمی‌دهی. و این کلام به خاطر آن است که دیگران را از همراه ساختن این شخص با خود مأیوس گردانیم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۲۲۱). بنابراین معنای آیه این است که گویا تو تصمیم داری برای اینکه از فشارها و مخالفت‌های کفار کاسته شود، برخی از آنچه را که به تو وحی کرده‌ایم، به مردم ابلاغ نکنی. این را بدان که تو تنها پیام‌رسان و هشداردهنده هستی و اجازه نداری با اختیار خودت بخشی از پیام خدا را ابلاغ و بخشی دیگر را فروگذار شوی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۵۸). براساس این آیه می‌توان دریافت که فشار نابه‌جای جامعه بر بزرگان دین ممکن است این تصور را در آن‌ها ایجاد کند که می‌توان با ترک برخی امور مهم و موکول کردن آن‌ها به زمانی دیگر این فشارها را مدیریت و آن‌ها را کنترل کنند. شاید در عمل هم همین‌طور شود، اما درنهایت این دین الهی است که از این حرکت آسیب می‌بیند. چگونه می‌توان از یک عالم متعهد انتظار داشت که برای جذب و نگهداری جوانان در یک هیأت مذهبی - که یک نمود ظاهری از دین‌داری در جامعه است - به روایات جعلی و افسانه‌سرایی روی بیاورد یا کسی که به تأسی از حدیث «مَنْ كَمَّ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴)، همت خود را صرف امور مسلمانان می‌کند، آن کارهای مهم را رها و به‌جای آن انرژی و مال خود را صرف تبذیر و اسراف برای آراستن ظاهر نمادهای دینی نماید؟

۲-۵- ترویج خرافات و رسوم غلط اجتماعی

در اسلام این امر مغفول نمانده است که طریقه‌ها و رسوم، ایجادکردنی هستند و خوب و بد دارند و نباید به همه رسوم در حوزه دین به چشم تقدس نگریست. در روایتی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَنَّ سَنَةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۳۶). بنابراین برخی از رسوم و عاداتی که در جامعه

- ۱- و مبدا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می‌شود، ترک گویی و سینهات بدان تنگ گردد که می‌گویند: چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامده است؟ تو فقط هشداردهنده‌ای و خدا بر هر چیزی نگهبان است.
- ۲- هرکس سنت نیکویی را بنیاد نهد، اجر آن عمل و عمل هرکسی که تا قیامت بدان سنت عمل کند، برای اوست و هرکس سنت بدی را بنیان نهد، گناه آن عمل و عمل هرکسی که تا قیامت بدان سنت عمل کند، با اوست.

اسلامی بنا نهاده شده - گرچه تا قیامت پایدار باشند - از اشتباه بودن مبرا نمی‌شوند و مایه وزر و وبال ایجادکنندگان‌شان خواهند بود. از حدیث فوق می‌توان به این نکته رسید که سنت‌ها و روش‌های خوب و بدی که ایجاد می‌شوند، پس از ایجاد شدن، مردم را به سمت خود جلب می‌کنند. قمه‌زنی در روز عاشورا را می‌توان یکی از رسوم غلطی دانست که مردم به راحتی جذب آن می‌شوند. عبارت «قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا» (بقره، ۱۷۰) از زبان مشرکان و کفار نیز، دلالت بر جذب شدن خود به خودی به طرق مألوف جامعه دارد.

گاه نیز محتوای رسوم بد نیستند، اما معنا و پیامی که با خود حمل می‌کنند، نامطلوب است. برای مثال برپایه برخی روایات، تأکید و مداومت بر روزه روز عاشورا پس از شهادت امام حسین (ع)، از جعلیات و تبلیغات بنی‌امیه بوده است (پاک‌نژاد و جلالی، ۱۳۹۴، ص ۲۵). بنابراین شیعیان از روزه گرفتن در این روز به شدت نهی شده‌اند. بنا بر روایات نهی از روزه روز عاشورا، معنی روزه گرفتن در این روز، همراهی نشان دادن با دشمنان امام حسین (ع) است. بنابراین امری مثل روزه گرفتن در روز عاشورا که فی‌نفسه محتوای بدی ندارد، به لحاظ پیامی که با خود حمل می‌کند، نامطلوب است.

۶-۲- هتک حرمت نمادها و مقدسات

کسانی که برای بزرگداشت نمادهای دینی، حقوق دیگران را پایمال می‌کنند یا به اعمال خلاف دین دست می‌زنند، خودشان درحقیقت در حق نمادهای دینی بی‌حرمتی می‌کنند. در مورد روزه روز عاشورا دیدیم که چون بنی‌امیه آن را به‌عنوان شکرانه قتل آل‌رسول مرسوم کرده بودند، همرنگی و همنوایی با آنان، این شبهه را ایجاد می‌کرد که شیعیان نیز از این امر خوشحالند. در آن زمان بزرگداشت عاشورا - که از معدود مناسبت‌های دینی بود - می‌توانست در صورت بی‌دقتی و رعایت نشدن شئون آن، نتایج منفی به بار بیاورد. در این میان ابداع و جعل مناسبت‌های دیگر، خصوصاً تکثیر ایام عزاداری، گذشته از ملال‌آور بودن، به‌لحاظ لزوم رعایت شئون و اقتضائات نمادین‌شان نیز دشوار است. برای روشن شدن مطلب، ایام محسنیه را مثال می‌زنیم. این ایام حدود یک شانزدهم از سال را به خود اختصاص داده است. جعل چنین مناسبتی که ریشه در ذوق و قریحه افراد دارد، - آن هم در عصر کنونی که عصر ارتباطات است - هنجارهایی را در سطح ملی یا فراتر از آن با خود به ارمغان می‌آورد و اموری مانند مراسم ازدواج - که نماد شادی هستند - در این ایام تعطیل می‌شوند. حال اگر کسی حرمتی را که جامعه برای این ایام قائل شده، بشکند، از امری که مسلمانان بر آن مجتمع شده‌اند، فاصله گرفته و

۱- می‌گویند: نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم.

به‌عنوان شخصی نابهنجار شناخته می‌شود. به‌این ترتیب کسی که ازدواج بر او واجب است، با این تابوی^۱ اجتماعی روبه‌رو می‌شود. گذشته از آن افراد و گروه‌هایی در جامعه هستند که به‌طور عادی چندان به اهداف و هنجارهای اجتماعی پایبند نیستند و ما آنان را به‌عنوان انزواگرا^۲ یا طغیانگر^۳ می‌شناسیم. بی‌توجهی یا حتی هجمه این افراد به حرمت چنین ایامی نیز، فشار روانی جدیدی بر معتقدان وارد می‌کند. در اینجا است که جعل ایامی به‌نام ایام محسنیه که با هدف مقدس بزرگداشت اهل‌بیت (ع) انجام شده، در نهایت به ضرر ایشان تمام می‌شود.



شکل ۱. آسیب‌های سطحی‌نگری در مواجهه با نمادهای دینی

۱- منع شدید مذهبی.

۲- انزواگرایان افرادی هستند که نگرش سبقت‌جویانه را به‌کلی رها کرده‌اند و به‌این ترتیب هم ارزش‌های مسلط و هم وسایل مورد قبول دستیابی به آن‌ها را رد می‌کنند (رک: گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰).

۳- طغیانگران افرادی هستند که هم ارزش‌های موجود و هم وسایل بهنجار را رد می‌کنند، اما فعالانه می‌خواهند ارزش‌های جدید را جایگزین کرده و نظام اجتماعی را بازسازی کنند. اعضای گروه‌های سیاسی رادیکال در این مقوله قرار می‌گیرند (رک: گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰).

بحث و نتیجه‌گیری

نمادهای دینی در کنار آثار و کارکردهای مثبتی که در حوزه بینشی، انگیزشی و رفتاری دین‌داران دارند، در صورت سطحی‌نگری و گرایش صرف به ظواهر می‌توانند آسیب‌هایی در تربیت دینی فرد دین‌دار و جامعه دینی به دنبال داشته باشند.

سطحی‌نگری در مواجهه با نمادهای دینی در درجه نخست دین را از هدف اصلی خود دور کرده و باعث جهت‌دهی دین به سمت اهداف دنیوی صرف می‌شود که در ادامه به واسطه ریا، نفاق، تأمین هزینه‌ها از راه‌های حرام و تعطیل کردن حقوق و امور واجب، زمینه آلودگی به گناه را فراهم می‌کند. همچنین رداییلی مانند خودپسندی و خودبینی را تحت لوای دین دامن زده و به تدریج باعث تسلط افراد فاقد صلاحیت بر امور دین شده و افراد صالح را به انزوا می‌کشاند. برقراری روابط آسیب‌زا مانند رابطه غالب و مغلوبی با دیگران، پررنگ کردن و اصالت بخشیدن به رابطه با اشیاء و یادگارها به جای رابطه با اندیشه‌ها و اهداف بزرگان، تحت فشار قرار دادن بزرگان دین برای رعایت هنجارهایی که به واسطه ظاهرگرایی ابداع شده و مواجه کردن امورات زندگی مردم با منع مذهبی و ضرب مهر بی‌حرمتی به اموری که قبلاً عادی بودند و در نهایت دادن فرصت تخریب به حرمت‌شکنان از دیگر پیامدهای منفی سطحی‌نگری در مواجهه با نمادهای دینی است.

جدول ۲. جلوه‌های ظاهری نمادهای دینی، پیامدها و آسیب‌های آن

ردیف	نماد دینی	نمود و جلوه ظاهری	پیامدهای گرایش به جلوه ظاهری نماد	آسیب‌ها
۱	ساختمان‌ها ی مذهبی از قبیل مسجد، زیارتگاه، حسینیه و...	- زرق و برق مساجد - کتیبه‌ها و زیورهای پرهزینه - مفروش‌های گران‌بها - مناره‌های بلند - ساختمان‌های پرهزینه - پیرایه‌های گران‌قیمت - گنبد‌های مطلا و...	- نیازمندی اداره اماکن مقدس به ثروتمندان - تضییع حقوق شهروندی - هزینه‌کرد اموال در امور غیرضرور - تقویت حس ریاست‌طلبی و خودنمایی - تقویت حس برتری‌جویی و ریاکاری - تضییع حقوق محرومان	- تصدی‌گری افراد ناصالح بر امور دینی - به حاشیه رفتن تکالیف اصلی
۲	مجالس عزاداری، مرثیه‌خوانی، مولودی خوانی، تعزیه‌خوانی	- عزاداری‌های خیابانی پر سر و صدا - عزاداری‌های پرخطر (قمه‌زنی، زنجیرزنی و سینه‌زنی خشن) - اعمال خرافی در عزاداری‌ها - تکثیر ایام عزاداری مانند ایام محسنیه و...	- تضییع حقوق شهروندی - ایجاد مزاحمت برای دیگران - ایجاد وحشت در جامعه - ایجاد جو روانی علیه مذهب - ایجاد شکاف در صفوف امت - تعطیل شدن امور مهمی چون ازدواج در اثر تکثیر ایام عزاداری	- هتک حرمت مقدسات - ترویج خرافات و سنت‌های غلط - به حاشیه رفتن تکالیف اصلی - تصدی‌گری افراد

<p>فایده‌های ارتباط آسیب‌زا با اشیاء</p>	<p>– میدان‌داری افراد فاقد صلاحیت در امور دینی مانند مداحان، شاعران، هنرمندان و...</p>	<p>– اشعار ناهنجار – صداها و رفتارهای ناهنجار – کف زدن – استفاده از آهنگ‌های نامناسب برای مدح و مرثیه</p>
<p>– منزوی شدن عالمان راستین – تصدی‌گری افراد فاقد صلاحیت – به حاشیه رفتن مسائل و تکالیف اصلی</p>	<p>– محور شدن مخاطب و دوری از دین‌محوری – سطحی شدن اطلاعات مخاطبان – انحراف برنامه‌ها – انحراف محتوا – چشم و هم‌چشمی و رقابت ناسالم برای جذب مخاطب با ایجاد و ابداع برنامه‌های بدعت‌آمیز – بازگو نکردن حقایقی که به مذاق شنونده خوش نمی‌آید – رونق بازار عالمان و منبریان کم‌سواد</p>	<p>۳ انواع مجالس سخنرانی مذهبی</p> <p>– سخنرانی‌های عامه‌پسند با محتوای ضعیف – رقابت برای جذب مخاطب – منبرهای با محتوای ضعیف</p>
<p>– به حاشیه رفتن تکالیف اصلی – ارتباط آسیب‌زا با افراد</p>	<p>– گرایش به حرفه‌ای‌گری در قرائت و حفظ قرآن و دور شدن از روح قرآن – تولید بازنده در مقابل هر برنده – اعتیاد به تشویق شدن – اعتیاد به شهرت – تحمیل هزینه به بیت‌المال</p>	<p>۴ انواع مسابقات مذهبی</p> <p>– مسابقات حفظ قرآن و متون دینی – مسابقات قرائت قرآن – مسابقات مداحی – مسابقات تواشیح، اذان‌گویی و... – جوایز مادی – جشنواره‌های مذهبی پرهزینه</p>
<p>– ارتباط آسیب‌زا با اشیاء – به حاشیه رفتن تکالیف اصلی – هتک حرمت مقدسات</p>	<p>– غفلت از روح زیارت – غرق شدن در مظاهر ظاهری زیارتگاه – سرگرم شدن به اموری چون عکس‌برداری و فیلم‌برداری از اماکن متبرک به جای بهره‌برداری معنوی – خلاصه شدن مفهوم زیارت در بوسیدن ضریح و... – ازدحام و اصرار زائران برای رسیدن به ضریح – تزیین حقوق دیگران و...</p>	<p>۵ زیارت</p> <p>– لمس اشیاء متبرک – بوسیدن اشیاء متبرک – سجده کردن رو به سمت مزار امام – غذای متبرک و...</p>
<p>– تصدی‌گری افراد فاقد صلاحیت در امور دین – به حاشیه رفتن تکالیف اصلی</p>	<p>– تقویت حس ریاست‌طلبی – تقویت ریاکاری – تقویت حس برتری‌جویی – چشم و هم‌چشمی و رقابت در هزینه‌کرد – محروم شدن افراد کم‌توان مالی از اطعام کردن</p>	<p>۶ مجالس اطعام</p> <p>– سفره‌های رنگارنگ – تشریفات پرخرج – مهمانان عالی‌رتبه</p>

- تسلط ثروتمندان بر برنامه‌های مذهبی
- غفلت از محرومان و مستضعفان
- دور شدن از حکمت و فلسفه اطعام

منابع

- قرآن کریم (فولادوند مترجم).
- اکبری، م. (۱۳۹۳). کارکردهای تربیتی بزرگداشت پانزده شعبان. *دوماهنامه امان*، ۲(۴۸)، ۱۸-۱۶.
- امام صادق، ج. (۱۴۰۰). *مصباح‌الشریعه (منسوب به امام صادق (ع))*. بیروت: اعلمی. چاپ اول.
- امامی، ص. (۱۳۸۱ الف). نماد و جایگاه آن در قرآن. *کتاب ماه هنر*، ۱۲، ۴۱-۳۰.
- امامی، ص. (۱۳۸۱ ب). نماد و تمثیل، تفاوت‌ها و شباهت‌ها. *کتاب ماه هنر*، ۴۷ و ۴۸، ۶۷-۵۳.
- بحرانی، ه. (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت. چاپ اول.
- بیضاوی، ع. (۱۴۱۸). *انوار التنزیل و اسرار التاویل. تصحیح: محمد عبدالرحمن مرعشی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پارسا، ح. (۱۳۷۳). *نماد و اسطوره در عرصه توحید و شرک*. قم: اسراء. چاپ اول.
- پاکزاد، ع. و جلالی، م. (۱۳۹۴). روایات روزه عاشورا، چیستی، گونه‌ها و تحلیل. *علوم حدیث*، ۷۷، ۴۵-۲۱.
- پورنامداریان، ت. (۱۳۶۴). *رمز و داستان‌های رمز در ادب فارسی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ اول.
- پورنامداریان، ت.؛ رادفر، ا. و شاکری، ج. (۱۳۹۱). بررسی و تأویل چند نماد در شعر معاصر. *ادبیات پارسی معاصر*، ۱(۳)، ۴۸-۲۵.
- دهخدا، ع. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- حکیمی، م.ر.؛ حکیمی، م. و حکیمی، ع. (۱۳۸۰). *الحیات (احمد آرام مترجم)*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- حمیری، ع. (۱۴۱۳). *قرب‌الاسناد*. چاپ اول. قم: آل‌البیت.
- روشنفکر، ک.؛ قبادی، ح. و زارع برمی، م. (۱۳۹۲). نماد نقاب و اسطوره در شعر پایداری قیصر امین‌پور. *مجله فنون ادبی*، ۸، ۵۲-۳۰.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (محسن ثلاثی مترجم)*. تهران: انتشارات علمی.
- شریف رضی، م. (۱۳۷۸). *نهج‌البلاغه (جعفر شهیدی مترجم)*. چاپ چهاردهم. تهران: علمی و فرهنگی.
- صدوق، م. (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه. تصحیح: علی‌اکبر غفاری*. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، م. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، ف. (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان لعلوم القرآن*. تصحیح: محمدجواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، م. (۱۴۰۷). *تهذیب‌الأحكام*. تصحیح: حسن موسوی خراسان. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- عباسی صدرا، ع. و منطقی، م. (۱۳۹۵). تبیین جایگاه نماد در فرهنگ سازمانی با تکیه بر اندیشه اسلامی. *مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۱۲، ۳۵-۵۴.
- عروسی حویزی، ع. (۱۴۱۵). *تفسیر نورالثقلین*. تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.
- فیاض، م. و جباری، م. (۱۳۹۰). نمادهای اجتماعی شیعه در عصر حضور؛ نمادهای زبانی. *تاریخ در آینه پژوهش*، ۲۹، ۱۳۳-۱۵۱.
- فیض کاشانی، م. (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی*. تصحیح حسین اعلمی. چاپ دوم. تهران: انتشارات صدر.
- کلینی، م. (۱۴۰۷). *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گولد، ج. و کولب، و. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. تهران: مازیار.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی (منوچهر صبوری مترجم)*. چاپ شانزدهم. تهران: نشر نی.
- لاجوردی، ف. و طالبش بابایی، ح. (۱۳۹۰). نمادپردازی بلندی در اندیشه دینی. *نیم‌سال‌نامه پژوهش‌نامه ادیان*، ۹، ۶۱-۹۲.
- لافورگ، ر. و آلندی، ر. (۱۳۷۴). *نمادپردازی (مجموعه مقالات اسطوره و رمز)*. ترجمه جلال ستاری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سروش.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، م. (۱۴۲۳). *زاد المعاد (مفتاح الجنان)*. تصحیح علاء‌الدین اعلمی. بیروت: اعلمی.
- مجلسی، م. ت. (۱۴۱۴). *لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه*. چاپ دوم. قم: اسماعیلیان.
- مغنیه، م. (۱۴۲۴). *تفسیر الکاشف*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مطهری، م. (۱۳۸۵). *یادداشت‌های استاد مطهری*. چاپ چهارم. تهران: صدرا.
- مفید، م. (۱۴۱۳). *الارشاد فی معرفه حجج‌الله علی العباد*. تصحیح آل‌البیت. قم: کنگره شیخ مفید.
- ناعمی، ز. (۱۳۸۸). نمادهای دینی در شعر شیعی (قرن اول تا پنجم هجری). *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، ۳، ۱۰۸-۱۳۴.
- هچ، م. (۱۳۸۹). *تغوری سازمان (حسن دانایی فرد مترجم)*. تهران: مهربان نشر.